|  |
| --- |
| **بررسی سیاست‌گذاری و استاندارهای طراحی مدرسه اجتماعی در راستای افزایش مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان** **زهرا نوری1، جمال‌الدین سهیلی2**1. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
2. استادیارگروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. (نویسنده مسئول).
 |
| **Studying social school design standards & policies in order to increase student’s social contributions**Zahra nouri 1, Jamaleddin Soheili 21. MA s‌tudent of Architecture , Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
2. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
 |
|  |
| \*Corresponding Author: Soheili@qiau.ac.ir Soheili@qiau.ac.ir: ایمیل نویسنده مسئول |
| **چکیده** |  |

 مدرسه از جمله عملکردهایی است که با ویژگی‏های خاص خود نه ‏تنها پتانسیل مناسبی در پذیرش عملکردهای مختلف دارد، بلکه می‏تواند نقش‏های متفاوتی در زمینه‏ی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایفا کند. اما اساسا، تنها توجه به نیازهای متعارف عملکردی مدرسه معطوف می‌باشد، بنابراین به مدرسه به عنوان یک مرکز اجتماعی و مکانی برای یادگیری همسایگی‌های خود نگاه نمی‌شود. دردهه های گذشته استفاده اجتماعی از مدارس، به عنوان یک شاخصه مهم فضاهای آموزشی در برخی از کشورهای مختلف مطرح بوده است. نیاز به ساختن مدرسه و طراحی آن به گونه‌ای که به کودکان کمک نماید تا به صورت یک شهروند موثر و فعال در جامعه ایفا نقش نمایند و از سویی دیگر فرصت‌هایی را برای اجتماع خود فراهم آورد تا بطور مداوم در جریان آموزش و مشارکت اجتماعی اجتماع خود باشد ضروری به نظر می‌رسد. استانداردهای مدارس اجتماعی به منظور ایجاد مشاركت و حمایت از جنبش مدارس اجتماعی، به عنوان یك راهبرد مبتنی بر شواهد و مدارك برای ارتقاء عدالت و تعالی آموزشی برای هر دانش‌آموز طراحی شده است. در پژوهش حاضر، سیاست‌ها و استانداردهای طراحی مدارس اجتماعی در راستای افزایش مشارکت دانش‌آموزان، بررسی می‌گردد.

**واژه­هاي کليدي**

مدرسه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، استانداردهای طراحی مدارس اجتماعی

**Abstract**

School is one of those functions which not only have a great potential in accepting different functions, but also could play different roles in social and cultural fields, due to its special features. But basically, the focus is mostly on the common regular needs of schools, and their roles as a social center and a place of education is not taken into account. In the past decades, the social usage of schools has been considered as an important feature in educational spaces, in several countries. It seems that there is a need to create and design schools in order to help kids and guide them through becoming influential and active citizens in the society and providing opportunities for them to be in constant relation with the education system and social contributions of the society. Social school standards are designed to create contribution and to support social schools’ movement, as a strategy, based on evidences and documents, in order to improve educational justice for every student. In this research, social school design standards & policies are being reviewed in order to increase student’s social contribution.

**Keywords:** social school, social contribution, social schools’ design standards

**1- مقدمه**

امروزه ایده مدارس اجتماعی به عنوان الگویی که به دنبال تحقق ارتباط فعال و موثر فضاهای مدارس با اجتماع اطراف خود به عنوان مرکز محله و ارتقا یادگیری مهارت ها و دستاودهای دانش آموزان و اجتماع به صورت توامان است مطرح است. رفع کمبود امکانات محلی، صرفه جویی اقتصادی، استفاده بهینه از تسهیلات عمومی و هماهنگی اهداف مدرسه و محله از مزایای اولیه چنین مشارکتی است. ایده مدارس اجتماعی، در دهه 30 میلادی در آمریکا با هدف برآوردن نیازهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، و در انگلستان با هدف برآوردن نیازهای کودکان و بزرگسالان به عنوان ابزاری برای توسعه حس شهروندی و تضمین برابری دسترسی به تسهیلات عمومی، در آلمان، اهدافی نظیر رفع کمبودهای محلات فقیرنشین و ایجاد عدالت اجتماعی، و در استرالیا با اهدافی نظیر حفظ ارزش‌های بومی و ایجاد رابطه میان نسل‌های جدید و پیشین تاسیس شد (خسروی و ثقفی، 1396).

استراتژی مدرسه اجتماعی صریحا بیان می‌کند که به منظور بهبود چشمگیر نتایج تحصیلی و رشد کودکان، مدارس و شرکای اجتماعی مانند خانواده‌ها، جامعه و سازمان‌های مبتنی بر قوانین، دولت، آموزش عالی، آژانس‌های عمومی، مجریان قانون، و دیگران باید با هم همکاری کنند تا همه دانش آموزان یک فرصت برابر برای یادگیری و شکوفایی داشته باشند. امروزه مطالعات مختلفی از سوی نهادهای گوناگون در جهت طراحی الگوهای مدارس جدید برگزار می‌شود. تحقیقات بسیاری در زمینه استفاده اجتماعی از مدرسه به عنوان نقطه شروعی برای تغییرات مدارس سنتی به انجام رسیده و موسسه‌های مختلفی در این مقوله فعالیت کرده‌اند. از مهمترین موسسه‌های تحقیقاتی بررسی کارکرد های اجتماعی مدارس ،موسسه NSBN است: این موسسه با این هدف که مدارس می‌بایست مرکز و هسته همسایگی باشند و نیز همسایگی‌ها و اجتماع باید به عنوان مراکز یادگیری عمل نمایند تشکیل شده است. توجه به کارکرد اجتماعی مدارس به معنی تغییر مدارس به سازمان‌های جدیدی است که در گام اول بر آموزش بچه ها توجه دارند. اما همچنین به اجتماع اطراف خود نیز کمک می‌کنند؛ در یک مدل عمومی، مدارس اجتماعی می‌بایست آموزش خود را با حمایت و فرصت‌های نشات گرفته از نیازهای مدرسه، خانواده‌ها و اجتماع اطراف خود تاممین نمایند تا ارتباط قوی‌تری را میان گروه‌های عنوان شده فراهم و در نتیجه از کلاس درس برای اجتماع اطراف خود استفاده نمایند (کامل‌نیا، 1388).

در ژوئن سال 1998، گروهی از مربیان ، برنامه‌ریزان آموزشی، معماران، رهبران دولتی و شهروندان علاقمند از سوی وزارت آموزش آمریكا دعوت شدند تا در مورد شیوه‌های برنامه‌ریزی و طراحی مدارس به بهترین نحو ممکن و در جهت پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزان بحث و گفتگو کنند. در این جلسه شش اصل برای طراحی محیط‌های یادگیری ارائه گردید. شش اصل در سمپوزیوم ملی طراحی مدارس در وزارت آموزش و پرورش در اکتبر 1998 تأیید شدند و توسط مؤسسه معماران آمریکایی مورد تأیید قرار گرفتند. انجمن مدیران آمریكا، شورای برنامه‌ریزان تسهیلات آموزشی، و انجمن مدیران ساخت و ساز در آمریکا این اصول را در سه شرط کلی پذیرفته شده ارائه کردند: یادگیری یک فرایند مادام‌العمر است، طراحی همیشه در حال تحول است و منابع محدود است (بینگلر[[1]](#footnote-1) و همکاران، 2003).

به طور کلی، ایده‌ مدارس اجتماعی، در معماری سنتی ایران نیز مطرح بوده است. در محلات قدیمی، فضای مدرسه، تنها به درس و بحث منحصر نبوده، بلکه اهالی هر شهر و محله، در ایام و مناسبت‌های خاص، از آن استفاده می‌کردند. برخی از مجالس وعظ، سوگواری و مجالسی که به مناسبت فوت یکی از علما یا سرشناسان شهر برقرار می‌شد، در مدرسه‌ها برگزار می‌گردید. نمازخانه و مسجد متعلق به هر مدرسه، در وقت نمازهای روزانه، علاوه بر طلاب، در خدمت اهالی محله و شهر نیز قرار می‌گرفت (سلطانزاده، 1364). از طرفی دیگر موضوع مشارکت بحثی کاملا مفصل در حوزه علوم اجتماعی و جامعه شناسی و روان‌شناسی می‌باشد و تاکنون درباره نقش و تاثیر آن در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و فردی افراد جامعه تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است. از اینرو، پژوهش حاضر سعی دارد به سیاست‌ها و اصول طراحی مدارس اجتماعی در راستای افزایش مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان بپردازد.

**2- بررسی مفاهیم و ادبیات پژوهش**

**2-1-‌ مشارکت اجتماعی**

مشارکت[[2]](#footnote-2) به ‌معنی به‌ کار گرفتن منابع شخصی به‌ منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی و جاراللهی، 1382). این کلمه از ریشه (Part) به معنی قسمت، جزء و بخش و از ریشه لاتین (Participatia) به معنای با خود داشتن، در نقش خویش چیزی از غیر داشتن و سهمی‌ در چیزی غیر از خود داشتن اخذ شده است و به معنی سهیم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است (آریانپور، 74-1373). واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد در مورد معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آنرا درگیری فعالیت و تاثیرپذیری دانست (علوی تبار، 1379). به لحاظ موضوعی، مشارکت را به گونه‌هایی چون مشارکت سياسی، اقتصادی و اجتماعی و ... تقسيم‌بندی می‌کنند. باید توجه داشت که تفکيک دقيق آن‌ها به دليل درهم تنيدگی، هم‌پوشی و مکمل یکدیگر واقع شدن، امکان‌پذیر نيست و معمولاً یا به صورت عام از مشارکت بحث می‌شود و یا به صورت ترکيبی، مانند: مشارکت اجتماعی- سياسی و اقتصادی. مشارکت اجتماعی؛ مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین‌گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلّی و غیردولتی دارند، که در قالب سیاست‌های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند (غفاری، 1380). به عبارتی، مشارکت اجتماعی «به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تبریزی، 1396). در واقع، حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد مانند عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها و تشکل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های مذهبی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، حرفه‌ای، شغلی، انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، ستادهای بازتابی و کوتاه‌مدت (ستادهایی که برای مدتی کوتاه در مواقع خاص برای واکنش به یک حادثه تشکیل می‌شود)، احساس مسئولیت در قبال همنوعان از طریق احترام به حقوق مشروع و قانونی آنان، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس، اعیاد ملی-مذهبی و غیره. بنابراین، مشارکت اجتماعی ریشه در روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرایند است، فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود. مشارکت عنصری پویا، کمیت‌ناپذیر و تا حدودی غیر قابل پیش‌بینی و دگرگون‌کننده شرایط است (محسنی، جاراللهی، 1382).

مدارس اجتماعی که در برخی موارد به «مدارس تمام وقت» یا‌ مدارس «توسعه‌دهنده خدمات» گفته مي‌شود، مراکز آموزشی هستند که آموزش‌های‌ مرسوم یک مدرسه را همراه با دامنه وسیعی از فعالیت‌های مورد نیاز جامعه و فرصت‌هایی برای توسعه و ارتقا یادگیری دانش‌آموزان فراهم مي‌سازد. مدارس اجتماعی نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری در زندگی بچه‌ها و خانواده‌ها و اجتماع دارد تا یک شبکه گسترده را برای حمایت‌های لازم در جهت رشد موثر دوران جوانی بچه‌ها فراهم آورد (کامل نیا، 1388). مدارس اجتماعی به نام «مدارس آینده» نیز خوانده شده‌اند، اگرچه تغییرات اقتصادی، اجتماعی و تکنیکی دنیای اطراف نشان‌دهنده این مسئله است که آینده در همین جا قرار دارد و مدارس اجتماعی مدارسی برای امروز هستند. در حقیقت مدارس آینده باید بگونه‌ای طراحی شوند که یک مرکز اجتماعی برای همه افراد جامعه بوده و‌ پاسخگوی نیاز بچه‌ها و خانواده باشند. گونه‌ای از مدارس اجتماعي را تحت عنوان «مدرسه محله» ياد مي‌كنند كه بدين گونه تعريف مي‌شود: مدرسه‌ای با تمام فعاليت‌هاي خاص و متنوع كه در عين اينكه عملكرد آموزشي خود را مستقل انجام مي‌دهد، قابليت تعامل با محله در بهره‌وري از امكانات را نيز دارد. به عبارتي ديگر، امكانات آموزشي مدارس مي‌توانند در اختیار آموزش بزرگسالان قرار گيرد و امكانات كمك آموزشي نظير فضاي سبز، زمين ورزش، سالن اجتماعات و ... با برنامه‌ريزي مناسبي به عنوان پارك محله، ورزشگاه محله، سينماي محله يا بخشي از آن عمل نمايند (غروی الخوانساری، 1384؛ یوسفی، 1389)

آنچه كه امروزه از آن به عنوان يك مدرسه اجتماعي ياد مي‌شود، فراتر از يك ساختمان چند عملكردي است كه لزوما امكانات خود را با جامعه سهيم بوده و يا اينكه به لحاظ موقعيت قرار گيري در بطن جامعه، مدرسه اجتماعي قلمداد شود.

**2-2- شاخص‌های مدارس اجتماعی**

برخی مشخصه‌هایی که ایده مدارس اجتماعی را در مقایسه با سایر مدارس متمایز ساخته و آن را توجیه مي‌کند به شرح زیر است:

* بالابردن آموزش و یادگیری و تطبیق با نیازها و تاثیر کیفیت محیط یادگیری بر میزان یافته‌های دانش‌آموزان و مدرسه به مثابه ابزار مهنم یادگیری (افهمی، 1387).
* فراهم آوردن سلامت و ایمنی که در مرحله اول با فراهم سازی فضای زیستی و در مرحله دوم با تامین فضاهای مورد نیاز برای پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و کاهش میزان جرم و خشونت در میان جوانان همراه خواهد بود( کامل‌نیا، 1388).
* مشارکت و همکاری نهادها و ادارات مختلف برای تامین سرمایه لازم نهادها و ایجاد تنوع در منابع و تسهیلات در رفع نابرابری‌ها و فقدان منابعی که در بسیاری از مدارس بروز نموده است (غروی الخوانساری، 1384).
* توسعه حس شهروندی مردم و تقویت سازمان محلات از یک سو و بالابردن سطح تعامل دانش‌آموزان با جامعه و توجه آنان به محیط اطراف و برقراری ارتباطات چهره به چهره با دیگران از سوی دیگر سبب افزایش قابلیت دانش‌آموزان برای همکاریبیشتر با جامعه و لزوم امادگی برای ورود به اجتماع را فراهم مي‌کند (سید حاتمی، 1392).
* مدارس اجتماعی با عجین ساختن آموزش زندگی اجتماعی و مسائل فراغتی محیط آموزشی را تلطیف نموده و موجبات جذابیت این محیط و تعلق خاطر دانش‌آموزان به آن را فراهم مي‌آورند. این آمیختگی موجب نشاط و سرزندگی محیط آموزش و افزایش تمایل حضور دانش‌آموزان در این محیط مي‌شود. در شکل شماره (1)، مزایای مدراس اجتماعی ارائه گردیده است.



 شکل 1: مزایای مدارس اجتماعی (طلایی، پور یوسف زاده، متولی حقیقی، 1393)

**2-3-** **طراحی مدارس اجتماعی**

در طراحی مدارس اجتماعی علاوه بر توجه به مسائلی همچون نور، حرارت و برودت و مصالح که در تامین سلامت موثرند، مي‌بایست به مسائلی که میزان آسایش و ایمنی را بالا مي‌برند نیز توجه کرد.‌ از جمله این موارد الگوهای ترددی و ترافیکی و مسیرهای ارتباطی است که مي‌تواند عامل خشونت‌زایی باشد. فعال کردن استفاده از همه منابع در دسترس فضای مدرسه باید گونه‌ای باشد که بر اساس موضوع و میزان توجه مورد نیاز نظم‌پذیری خاص خود را داشته باشد. همچنین مدارس مي‌بایست بیشترین قابلیت را برای انعطاف داشته باشند تا بیشترین تطبیق‌پذیری را از خواسته‌ها و نیازهای داخل و خارج مدرسه به عمل رسانند.

به عنوان یک دیدگاه، مدارس اجتماعی مخالفان کمی دارند، مگر برای کسانی که اینگونه مدارس را غیرعملی مي‌دانند که ممکن است نگران ساختمانهای‌شان باشند یا بیان کنند که این مدارس برای دیگر مکان‌ها قابل اجرا است و شاید (در زمانی که انجام گرفته) قابل تحقیق باشد و نه اینجا. گرچه اگر کسی راجع به چگونگی تحقق این تصویر از مدارس اجتماعی بپرسد احتمالا توافق‌های عمومی در این باره شکسته مي‌شود، هیچ فرمول و راه مطلقی برای ساخت مدارس اجتماعی وجود ندارد. راههای مختلف برای ساخت مدارس اجتماعی از دیدگاه‌ها علائق و ساختارهای مختلف از واقعیت‌های اجتماعی به وجود مي‌آید. مردمی که در طول این مسیرها قدم برمي‌دارند همگی از یک نوع فکر نیستند در برخی از این مسیرها گام برداشتن آسان‌تر بوده و وضوح بیشتری دارد و باقی وضوح کمتری داشته و عبور از آنها سخت‌تر است. در امر طراحی مدارس نمی‌توان به یک الگوی طراحی واحد رسید چرا که مدل مدرسه اجتماعی در بستر اجتماع و با توجه به همجواری‌های خود و همسایگی‌های مورد توجه خود به طور دائم در حال تغییر و تطبیق است. در اين ميان سه سيماي عمومي از ارتباط ميان مدرسه و اجتماع وجود دارد:

* نزديكي مكان مدرسه به قلب اجتماع
* ارتباط نزديك با مشاغل، سازمانها، فضاهاي تفريحي و ... براي توسعه پتانسيل‌هاي يادگيري.
* طراحي مدرسه به گونه‌ای كه مكاني براي گرد هم آوردن اجتماع باشد (کامل نیا، 1388).

طراحی یک مدرسه اجتماعی از یک مدرسه سنتی متفاوت است. چرا که افراد و گروه‌های مختلفی برای تعیین اهداف مشترکی با یکدیگر همکاری مي‌نمایند تا طرح برای خلق فضاهایی موثر برای آموزش و یادگیری همه مشارکت کنندگان باشد و درگیر شدن بیشتر مدرسه با جامعه محیط یادگیری را برای استفاده از جامعه گسترش دهد. مشارکت در طرح مدارس اجتماعی نیاز به بررسی کامل از درون مدرسه تا اجتماع بیرون مدرسه و نیازهای آن دارد چرا که مدارس اجتماعی نیازمند ارتباط و تطبیق خود با دامنه متعددی از عواملی است که بتواند آنرا حمایت کند و ادامه حیات آنرا ممکن سازد، در صورتی که این دو میسر نگردد، شاهد تبدیل شدن این مدارس به نمونه‌های سنتی آن به صورت کاملا جدا از اجتماع خواهیم بود که حداکثر استفاده‌های بسیار عام از مدارس و امکانات آن وجود دارد. در طرح مدارس اجتماعی این مسئه که چطور مي‌شود مشارکت معناداری از اجتماع در مدارس ایجاد کرد و چطور مي‌شود افراد بیشتری را در جامعه علاوه بر گروه اندکی که در فعالیت‌های مدرسه شرکت مي‌نمایند جذب نود از یکسو و از سویی دیگر اینکه چطور مي‌شود نشان داد که مشارکت فعالی که از آن ذکر مي‌شود نتیجه مثبتی بر دانش‌آموزان و اجتماع دارد، به عنوان موضوعات مهم مد نظر قرار دارند. در زمانی که توجه به توسعه وضعیت موجود مدنظر است مدل‌هایی از مدارس اجتماعی هستند که در درون کالبدهای اجتماعی دیگر و موسسات اجتماعی جای دارند و یا در مواردی از پیوند چندین مجموعه فضای آموزشی مورد نظر به وجود مي‌آید. در وضعیتی دیگر چنانچه طرح یک الگوی مدرسه اجتماعی از ابتدا مورد نظر باشد مواجه هستیم با مطالعه بسیار دقیق و گسترده از نیازهای درون مدرسه و اجتماع بیرون آن، پتانسیل‌ها و منابع در اختیار، چگونگی میزان مشارکت‌ها و مسائل نظیر آن که باعث روشن شدن هدفهای طرح مي‌شود تا با مشخص نمودن آنها راهکارهای مناسب در جهت طرح این الگوها اتخاذ شود (همان منبع).

در فرآیند طراحی مدرسه اجتماعی هیچ یک از تخصص‌ها نقش قالب بر پروژه را نخواهد داشت بلکه مي‌بایست اطلاعات مورد نیاز را در اختیار کلیه گروه‌های درگیر در پروژه قرار دهند تا بتوان از اطلاعات در جای خاص خود استفاده کرد. اینکه چه اطلاعاتی از هر یک از متخصصان و شرکت کنندگان در طرح مدرسه گرفته شود و این اطلاعات چگونه و با چه روشهایی به کار گرفته شوند، چطور تحلیل شوند و از نتایج حاصل از آنها در طرح مدرسه چگونه استفاده شود،‌ موضوعاتی هستند که در روش شناسی طراحی الگوها مي‌بایست به طور مشخص به آن پاسخ داده شود.

**2-4- شاخصه‌های طراحی مدارس اجتماعی**

برخی از اصول طراحی که بر مبنای رویکرد‌های اینده نگر بایستی در فرایند طراحی برپایی و بهره‌برداری مدارس اجتماعی مورد توجه قرار گیرند به دو بخش شاخص‌های کمی و کیفی محیط تقسیم می‌شوند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

الف) شاخص‌های کمی محیط (کالبدی):

- اقلیم: تحلیل ویژگی‌های خرد اقلیمی یک سایت بر روی طراحی (فرم، شکل، بافت، رنگها)، جهت‌گیری بنا، و انتخاب تکنولوژی ساخت، جزئیات ساختار مصالح، برای مدرسه و چیدمان و سازماندهی فضاهای یادگیری تاثیرگذار مي‌باشد. یک مطالعه در بم (ایران) به عنوان مثال نشان داده که شرایط زیست اقلیمی خشن یک ناحیه گرم و خشک با بادهای منظم قوی‌ پر از گرد و غبار و درجه حرارتی که به 50 درجه سیلسیوس مي‌رسد، خواهان دستورالعمل‌های ویژه‌ای برای محیط‌های دوستدار کودک بوده که شامل جهت‌گیری بنا در امتداد محور شرقی غربی، دیوارهای ثقیل خارجی و داخلی، استفاده از گیاهان، ایجاد رطوبت بهره‌گیری از باد شمال برای جریان هوا و سرمایش در تابستان و استفاده از ایوان‌ها، هشتی‌ها، طاقچه‌ها و درختان برای ایجاد اماکنی سایه دار راحت برای دانش‌آموزان مي‌باشد (سید حاتمی، 1392). شکل شماره (2)، پلان درس موجود و اصلاح شده را ارائه می‌دهد.



**شکل 2: پلان درس موجود و اصلاح‌شده (سید حاتمی، 1392)**

اصلاحات اساسی: کوران هوای بهتر با افزودن پنجره‌ها و بازشوهای دیواری، ایجاد باغ و باغچه، ایوان‌هایی برای مناطق دارای سایه.

- مقیاس: تناسب فضای مطلوب دانش‌آموزان در کارایی این فضاها و رفتار محیطی آنها تاثیر به سزایی دارد. تحقیقات نشان مي‌دهد که هر چه مقیاس فضا با کودک متناسب‌تر باشد، کیفیت فضا و تنوع بازی‌های دانش‌آموزان در آن فضا بیشتر مي‌شود. محیط‌های کودک‌گرا علاقه و توجه کودک را جلب کرده و موجب تنوع و جذابیت آن محیط مي‌شود. در حالیکه محیط‌های بزرگ، دانش‌آموزان را به جابه‌جایی و دیدن محیط فرا مي‌خواندد، محیط‌های کوچکتر کودک را به تمرکز و توجه و دقت فرامي‌خوانند. در محیط‌هایی که فعالیت‌های متعددی انجام مي‌شود بایستی محدوده‌ها و عرصه‌های متمایز و قابل تشخیص دانش‌آموزان وجود داشته باشد. ورودی‌های بزرگ و فضاهای عمومی وسیع به طور معمول مطلوب دانش‌آموزان نیست و آنها در محیط‌های مسکونی و مقایس‌های محلی آسایش فیزیکی و روانی بیشتری دارند (مظفری و همکاران، 1385).

- انعطاف‌پذیری: طیف وسیع کاربران یک فضا، عملکردهای فردی و تغییرات مداوم در نظام آموزشی نیاز به میزان بیشتری انعطاف‌پذیری را موجب مي‌گردد (فضا و مبلمان). یک راه حل مرسوم، استفاده از اجزایی است که بتوان از آنها به روشهای مختلف با هدف سازگاری برنامه‌ها با تغییرات ضروری استفاده نمود. از آنجا که محیط انعطاف‌پذیر امکان خلق ویژگی‌هایی متفاوت محیطی را فراهم مي‌دارد، امکان خلق مکانی خصوصی و خلوت در دل فضاهای بزرگتر نیز برای کودک وجود دارد. شرکت کردن در فعالیت‌هایی که پس از چیدمان مجدد مبلمان صورت مي‌گیرد، مزیت‌هایی چون پیشرفت و تشویق یادگیری، بهبود بخشی توانایی‌ها و مهارتهای فیزیکی، افزایش اعتماد به نفس و استقلال و پاسخگویی به نیاز تحت کنترل در آوردن محیط در دانش‌آموزان را به همراه خواهد داشت (سید حاتمی، 1392). راهکارهایی مناسب برای ایجاد اینگونه فضاها عبارتند از؛ استفاده از مبلمان غیر رسمی نرم و سبک و راحت و انعطاف‌پذیر که کاملا شخصی طراحی مي‌شوند و به خود فرد استفاده کننده تعلق دارند نیز در این فضاها دیده مي‌شود، و یا طراحی به صورت پلان آزاد‌ و وجود دیوارکها و یا المانهای جداکننده متحرک، تا کودکان، خود بتوانند فضاهای مورد نیاز را با کمک مربی ایجاد کند (بر اساس ویژگی تغییرپذیری فضا اجزای آن).

ب) شاخص‌های کیفی محیط (روانشناختی):

- هویت و تعلق مکانی: هویت مکان بخشی از هویت فردی تعریف مي‌شود، فرآیندی که به واسطه آن تعاملات و کنش متقابل انسان‌ها با مکان صورت مي‌گیرد و افراد، خودشان را بر حسب تعلق به مکان ویژه‌ای توصیف مي‌کنند. همچنین یکی از مهمترین تاثیرات و تبعات محیطف مساله تعلق مکانی است که تا حدود زیادی با هویت مکانی ارتباط تنگاتنگی دارد (صفایی‌پور و روزنه، 1392). بر اثر این رابطه محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل مي‌شود. گاه این تعلق مکانی از سطح تجربه‌های احساسی شناختی فردی فراتر مي‌رود و از طریق احساس مشترک جمعی برای یک محدوده فضایی وسیعتر تا یک کشور و برای یک ملت نیز گسترده مي‌شود (رضازاده، 1385). برای تقویت هویت و تعلق مکانی مي‌توان در طراحی به برخی همچون؛ استفاده از روانشناسی دانش‌آموزان محله در طراحی فضاهای آموزشی، توجه به نظریه‌های متخصصان در مورد کودک و فضاهای شهری و لحاظ کردن آن‌ها در طراحی، توجه به ویژگی‌های هویتی افراد محله به ویژه کودکان، توجه به تفریحات دلخواه دانش‌آموزان محله: بازی‌های قومی، محلی و فرهنگی، و استفاده از شاخص‌های بومی در طراحی کالبدی توجه کرد.

- امنیت و آسایش: دانش‌آموزان به شرطی در محیط، حضور فعال پیدا مي‌کنند که کلیه حواس آنها در وضعیت متعادل باشند. برای مثال آلودگی صوتی و آلاینده‌های هوا و نیز عدم وجود قلمرو فیزیکی و روانی مطلوب و حس ازدحام مانع تعامل مطلوب کودک با محیط خواهد شد (مظفری و همکاران، 1385). راهکارهای مناسب برای ایجاد امنیت و آسایش برای دانش‌آموزان و استفاده کنندگان از فضاهای آموزشی عبارتند از: قرارگرفتن فضاهای بازی دانش‌آموزان در دید و اجتناب از مخفی شدن آن‌ها، تامین فضاهایی برای نشستن اهالی محله در نزدیکی و یا هم جواری فضاهای آموزشی طراحی شده به منظور ایجاد نظارت غیر مستقیم بزرگسالان، آرام سازی فضاهای طراحی شده با استفاده از طراحی فضاهای سبز و تعبیه درختان، بوته‌ها و گل‌ها در دور تا دور محیط طراحی شده، دور کردن راه‌های سواره در نظر گرفتن مکان طراحی در دورترین فاصله با مکان‌های مولد صدا به منظور تامین ایمنی و ایجاد اسایش. خوانایی فضا سبب ایجاد حس امنیت و آسایش شاخص کردن ورودی و فضاهای خالی، به کار بردن رنگ‌های متنوع ولی هماهنگ در سر در ورودی‌ها و فضاهای داخلی، استفاده از تجهیزات و جزئیات خاص مختص هر فضا این مکان را فراهم مي‌کنند تا کودک و دیگر کاربران بتوانند به راحتی و بدون حس آشفتگی با محیط ارتباط برقرار کنند (شهابی و درسخوان، 1391).

- ارتباط با جامعه: در معماری امروز گرایش به کالبدهای چند عملکردی و چند وجهی مجددا مورد توجه قرار گرفته است. مدرسه از جمله عملکردهایی است که با ویژگی‌های خاص خود نه تنها پتانسیل مناسبی در پذیرش عملکردهایی مختلف دارد، بلکه مي‌تواند نقش‌های متفاوتی در زمینه‌ی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایفا کند (غروی الخوانساری، 1386). فضاهای آموزشی جدید هر دو ویژگی نمادهای محیطی و آرایش‌های فیزیکی را در خود دارند که روی مجموعه‌ای خاص از ایده‌های مرتبط متمرکزند. در مجموع وجود کاربری‌های مختلط شامل مجموعه‌ای از فضاهای فراغتی، تجاری و فرهنگی به عنوان راه حل مناسبی برای ایجاد فضاهای مناسب تعامل و برقراری ارتباط است. اگر این تلفیق کاربری به شکلی درست اتفاق بیفتد، مي‌تواند باعث رونق و سرزندگی اجتماعی و ایجاد مشارکت اجتماعی گردد. به این ترتیب مردم از حضور در فضاه لذت مي‌برند و نسبت به فضا ارزیابی مثبت پیدا مي‌کنند (درودیان، 1390).

**2-5- کارکردهای مدارس اجتماعی**

نیاز به ساختن مدرسه و طراحی آن به گونه‌ای که به بچه‌ها کمک ‌نماید تا به صورت یک شهروند موثر و فعال در جامعه نقش ایفا کنند و از سوی دیگر فرصت‌هایی را برای اجتماع اطراف خود، برای بودن در جریان مداوم آموزش و مشارکت اجتماعی فراهم ‌آورد، یک نیاز ضروری به نظر می‌رسد. نظریه مدارس اجتماعی با توجه به نظریات مطرح شده در مورد رابطه مدرسه و محله شکل گرفت. در مورد رابطه مدرسه و محله سه نظریه مطرح می باشد که عبارتند از:

الف.‌ نظریه مدرسه مستقل از جامعه: این نظریه که روابط درونی مدرسه را مستقل از جامعه دانسته و مبنای آموزش اکثر مدارس کشور می‌باشد. مدرسه چه از نظر کالبدی چه از نظر عملکردی از محله پیرامون خود جدا شده و دانش آموزان در طول ساعات مدرسه در محیطی مستقل جدا از اجتماع اهداف آموزشی را دنبال می‌کند.

ب. نظریه مدرسه در خدمت جامعه: این نظریه نزدیک‌ترین رابطه بین مدرسه و جامعه را مطرح می‌سازد و اهداف مدرسه را به گونه‌ای هماهنگ با محیط در نظر گرفته و در مقابل نیز مدرسه تا حد ممکن از امکانات جامعه درون آن بهره‌مند می‌گردد در این نظریه تعامل دو جانبه به صورت همیاری بین مدرسه و جامعه وجود دارد.

ج. نظریه مدرسه به عنوان الگوی جامعه: در این نظریه عملکرد مدرسه مشابه جامعه بیرونی الگوسازی شده و دانش آموزان در مدرسه همیاری را مثابه بزرگسالان در اجتماع آموزش می‌بینند (اوغازیان، 1386).

در سال‌های اخیر، نیازهای خاص اجتماعی و ارتباط میان مدرسه و محیط اجتماعی از مسائل مورد توجه بوده است. به طوری که بسیاری از جوامع در حال یادگرفتن این مطلب هستند که مشارکت مدرسه در فضا با دیگر سازمان‌ها مانند اداره‌ها، مراکز درمانی، موزه‌ها و ... قابل ارزش است. مطالعات نشان می‌دهد که طرح مدارس می‌تواند باعث رشد یا بازدارنده از یادگیری باشد. به همین دلیل،‌ طراحان تلاش می‌کنند تا فضای مدرسه هم چون یک میدان شهری گذشته، بتواند مانند یک مرکز اجتماعی فعال و موثر عمل نماید. ایده‌ی مدرسه اجتماعی به عنوان الگوی مورد نیاز برای رسیدن به اهداف فوق، چند سالی است که تحقیقات را در حوزه‌ی طراحی و برنامه‌ریزی مدارس به خود معطوف ساخته است. «هرمان هرتزبرگ[[3]](#footnote-3)» معتقد است: «مدرسه از آنجا که به افراد بی‌شماری تعلق دارد و افراد با نقش‌های اجتماعی متفاوت در آن سهیم هستند، موضوعی بسیار قابل توجه در طراحی است. یکی از مهم‌ترین مسائل در این حوزه، دوستی میان تئوری‌های آموزشی و کاربرد آن در فضاهای آموزشی است» (حمزوی، 1389). همچنین، پروفسور «لاوسون[[4]](#footnote-4)» اعتقاد دارد: از میان تمامی ‌پروژه‌های معماری که می‌بایست طراحی شوند، هیچ‌یک به اندازه طراحی مدرسه نمی‌تواند جذاب و دل‌انگیز باشد چرا که به بسیاری از فعالیت‌های مهم انسانی و آموزش و رشد کودکانمان می‌انجامد (کامل‌نیا، 1388).

**2-6- اصول و استانداردهای طراحی مدارس اجتماعی**

استانداردها، بهترین شیوه‌ها را تعریف می‌کنند. ایجاد مدرسه اجتماعی نیازمند یک فرایند توسعه و تدوین حرفه‌ای است، بنابراین اگر از نظر استاندارد در سطح بالایی قرار نگیرند، دچار مشکل خواهند شد. استانداردها شامل دو بخش است. بخش اول ساختارها و کارکردهای مدرسه اجتماعی و بخش دوم به عناصر اصلی برنامه که در مدارس اجتماعی رخ می‌دهد می‌پردازد. اصول طراحی مدارس بسیار ساده است. برای تأمین نیازهای در قرن بیست و یکم، محیط‌های یادگیری مدارس باید:

**2-6-1- آموزش و یادگیری را تقویت کرده و نیازهای همه دانش‌آموزان را تأمین کنند:**

تحقیقات آموزشی نشان می‌دهد که محیط فیزیکی بر یادگیری تأثیر می‌گذارد. طراحی مدارس می‌تواند پیشرفت تحصیلی را بهبود بخشد و یا مانع آن شود. تحقیقات فعلی بر مدلهای جدید آموزشی تأکید دارد که به جای گوش دادن و تماشای غیرفعال، به مشارکت فعال دانش آموزان تاکید دارد. مدلهای جدید شامل استراتژی‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، مبتنی بر پروژه هستند. آنها دانش آموزان به حرکت وامی‌دارند که در گروه‌هایی با اندازه‌های مختلف کار کنند و فعال باشند. این مدل‌ها بر سبکهای یادگیری و نیازهای ویژه هر دانش آموز تأکید بیشتری می‌کنند. عوامل دیگری که بر یادگیری تأثیر می‌گذارد عبارتست از؛ هوای داخل اتاق، راحتی صندلی، روشنایی و آکوستیک بودن کلاس (اشنایدر[[5]](#footnote-5)، 2002). نتایج یک مطالعه نشان داد دانش‌آموزانی که در کلاس دارای نور کافی در روز هستند، نمرات آزمون ریاضی و دروس خواندنی آنها خوب است. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که راحتی فیزیکی با توانایی تمرکز، میزان مشارکت دانش آموزان رابطه مثبت دارد (لاکنی[[6]](#footnote-6)،1999).

**2-6-2- به عنوان یک مرکز مشارکت خدمت کنند**

مدارس موفق، باعث تقویت هویت و انسجام جامعه می‌شوند. مانند میدان یک شهر قدیمی، یک مدرسه می‌تواند به عنوان مرکز اجتماع باشد و به کارکنان خود در مورد همکاری‌ها و منافع مشترک آموزش ‌دهد. در گذشته، بیشتر مدارس به عنوان یک مرکز آموزشی مستقل ساخته شده بودند که محدودیت‌هایی نیز داشتند. دسترسی به سالن‌ها، امکانات ورزشی، سرویس غذا، كتابخانه ها، مراكز رسانه‌ای، آزمایشگاه‌های رایانه‌ای و سایر فضاهای تخصصی معمولا دارای محدودیت دسترسی بود. در بهترین حالت، مدارسی که به عنوان مراکز مشارکت خدمت می‌کنند باید:

-‌ به نیازهای اوقات فراغت، تفریحی و سلامتی جامعه کمک کنند.

- برای افراد در هر سنی در دسترس باشد.

- مشارکت فعال والدین را در فعالیت‌های مدرسه تشویق کند. به عنوان مثال، ایجاد پایگاهی که برای والدین پیام ارسال کرده و آنها را به مشارکت در یادگیری فرزندانشان تشویق کند.

- پشتیبانی از ارتباط با مشاغل محلی که برای دانشجویان مؤثر است و از اقتصاد محلی حمایت می‌کند.

- ارتقاء مشارکت اعضای جامعه به طرق مختلف، از جمله کارآموزی و سایر فرصت‌های یادگیری مبتنی بر کار و خدمات.

- از فضاهای عمومی مشترک که در طول سال قابل دسترسی هستند، استفاده کند.

- مکانهایی باشد که امکان پرورش خلاقیت را فراهم کند. جایی که یادگیری بعد از مدرسه، شب‌ها و آخر هفته‌ها در آنجا اتفاق بیافتد و مدرسه با مشاغل و بخش آموزش عالی پیوند برقرار کند (همان منبع).

**2-6-3- حاصل یک فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی باشد که همه منافع جامعه را در بر گیرد.**

جوامع از نظر ماهیت متنوع هستند و این تفاوت‌ها ناشی از در قدمت، فرهنگ، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی و اقتصادی، آرزوها و توانایی‌ها است. دیدگاه‌های مختلف، فرایند طراحی را بسیار غنی و اثربخش انجام می‌دهند، زیرا طیف وسیعی از ایده‌ها و راه‌حل‌ها را در نظر می‌گیرند. چراکه مشارکت اجتماعی باعث ایجاد یک هدف مشترک می‌شود. هنگامی که اعضای جامعه فرصت شرکت در فعالیتهای برنامه‌ریزی معنادار را داشته باشند، احساس تعهد آنها تقویت می‌شود. هنگامی که آنها خود را به عنوان بیننده ، آفریننده و مالک بینند، مایل هستند که در کنار هم برای تعیین اهداف، حل مشکلات همکاری کنند و پشتیبانی و بودجه لازم را برای موفقیت مدارس خود ارائه دهند. که این امر برای موفقیت مدارس نیز ضروری است. این امر باید قبل و یا همزمان با تدوین یک طرح جامع مادی، مشخصات آموزشی، برنامه فناوری و برنامه‌های معماری انجام شود

**2-6-4- سلامت، ایمنی و امنیت را فراهم آورد.**

بهداشت و ایمنی همیشه از اولویت‌های اصلی مدرسه بوده است. در طول یک دهه گذشته نگرانی در مورد برخی از مسائل بهداشتی و ایمنی شدت یافته است. مسائلی از جمله هوا در محیط داخلی، امکان ارتکاب به جرم در محوطه مدرسه، خشونت، سوء مصرف مواد و مواردی از این قبیل. مدارس باید به مناسب بودن جو در فضای داخل مدارس و پتانسیل مواجهه دانش‌آموزان با مواد مضر توجه کنند. بنابراین، برای اطمینان از بالاترین استانداردهای مناسب ایمنی در برنامه‌ریزی و طراحی مدارس باید سه مفهوم مهم مد نظر قرار گیرد؛ نظارت طبیعی، کنترل میزان دسترسی طبیعی و مدیریت (اشنایدر و همکاران، 2000).

**2-6-5- از منابع موجود استفاده مؤثر کند.**

مدارس باید طوری طراحی شوند و این واقعیت را مدنظر قراردهند که محیط فیزیکی می‌تواند تاثیر مثبتی بر تجربه یادگیری داشته باشد. یکی از راههای مؤثر برای این کار، استفاده بیشتر از منابع موجود است. برای مثال، مدارسی که رایانه و امکانات ارتباطاتی دارند، می توانند به راحتی روش‌های جدید آموزش را از طریق اجازه دادن به معلمان راهنما و مربیان؛ اجازه دادن به دانش‌آموزان برای تجزیه و تحلیل، ارزیابی و دستکاری اطلاعات؛ تسهیل کنند. همچنین هر فرد امکان داشتن برنامه‌های درسی مجزا را داشته باشد. مدارس باید فضاهای تخصصی (از جمله آشپزخانه ها، اتاقهای کامپیوتر و بخش تعمیر و نگهداری) را تبدیل به فضاهای درسی سه بعدی، نمایش محتوای آموزشی و ارائه درس‌هایی در زمینه های فیزیک، ریاضیات، هندسه، هنر، تاریخ و ... کنند. برای کمک به دانش آموزان در درک ارتباط بین مدرسه و محل کار، از منابع خارج از مدرسه می توان برای یادگیری گسترده استفاده کرد. و این کار را از طریق همکاری سازمان‌های اجتماعی مانند کتابخانه‌ها، موزه‌ها، باغ وحش‌ها، پارک‌ها، بیمارستان‌ها و ساختمان‌های دولتی انجام دهند. همچنین، "استفاده مؤثر از منابع موجود" به معنای مصرف بهینه انرژی است. مدارس از بزرگترین مصرف‌کنندگان عمومی انرژی هستند و باید به گونه‌ای طراحی شوند که از منابع طبیعی موجود استفاده کنند.

**2-6-6- انعطاف پذیر و سازگار باشد.**

تغییرات به ناچار پیش می‌آیند، اما امکانات مدرسه باید به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند با تغییرات سازگار شود. با پیشرفت برنامه‌ها و استراتژی‌های جدید آموزشی، و با پیوستن فنآوری های جدید به فرایند آموزش و یادگیری، نیازهای جامعه تغییر می‌یابد. تقاضا برای مدارس اجتماعی با یک نرخ بی‌سابقه در حال افزایش است. بهترین طراحی باید امکان انعطاف‌پذیری مکانی را فراهم آورد. طراحان و تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند محکم روی هر مفهوم واحد از "مدرسه" تاکید کنند و یا ایده‌ای ثابت در مورد کلاسهای درس ارائه دهند. سیستم‌های سازه‌ای باز و انعطاف‌پذیر امکان تنظیم و تغییر مجدد فضاها را با گذشت زمان فراهم می‌کنند. با ارزیابی و به روزرسانی برنامههای کارشناسی و مشخصات آموزشی حداقل هر 5 سال یک بار، مدارس میتوانند اطمینان دهند که امکانات آنها نیازهای یک دنیای در حال تغییر را برآورده میکند (بارباکر[[7]](#footnote-7)، 1998).

**9. بحث و نتیجه‌گیری**

با توجه به تغییرات، رهبری خلاق، امکان استفاده از اطلاعات در زمان مناسب و مشارکت، می‌توان تصمیمات خوبی در مورد مدارس اجتماعی اتخاذ کرد. آموزش را در یک جامعه دموکراتیک شامل؛ منافع مشترک، آزادی در تعامل، مشارکت و روابط اجتماعی است. وقتی مشارکت و اتحادهای جدید شکل گرفته و مرزهای قدیمی بین مدرسه، خانواده، مشاغل و اجتماع حل می‌شود، نتایج در اختیار همه قرار می‌گیرد. هر عضو جامعه نقش مهمی در توسعه سلامت دانش آموزان امروز و والدین، ​​کارگران و شهروندان فردا دارد. تفکر استراتژیک و مشارکتی می‌تواند موجب ایجاد محیط های مناسب شود که این مقوله باعث بهبود نتایج دانشگاهی و تقویت مشارکت خواهد شد. برای داشتن مدارس اجتماعی می‌توان امکانات جدیدی را در فضاهای قدیمی کشف ایجاد کرد. اما ا باید آماده حمایت از تغییرات بود و اعضای جامعه، معلمان و دانش‌آموزان برای شکل دادن آینده، به عنوان تسهیلگرانی که از ریسک پذیری حمایت می‌کنند عمل کرده و یادگیری مداوم را ترغیب کنند. مدرسه به عنوان خانه دوم کودکان، مکان تعیین‌کننده‏ای است که توجه به روابط و تعاملات اجتماعی و مشارکت دانش‏آموزان با یکدیگر و بزرگسالان در حین یادگیری در مدراس؛ یعنی فضا و محیطی که بعد از خانه بیشترین زمان روزانه در آن سپری می‏شود، می‏تواند نقش تعیین‌کننده‏ای در حل این معضل ایفا کند. از این رو طراحی مدارسی مانند مدارس اجتماعی که بر افزایش مهارت‏های اجتماعی یادگیرنده‏ها و استفاده از پتانسیل سایر افراد جامعه و مشارکت میان دانش‏آموزان تاکید دارد می‏تواند راه حل مناسبی برای تقویت مشارکت اجتماعی و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان امروز باشد. هر چند موضوع طراحی مدرسه اجتماعی در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است اما در کشورهای پیشرفته مدت‏هاست اجرایی شده و نتایج مثبت و موفقی داشته است.

**مراجع**

* آريانپور كاشاني، ع؛ آريانپور كاشاني، م (1384). فرهنگ دانشگاهي انگليسي فارسي. تهران: سپهر.
* افهمی، ر (1387). راهبردهای بنیادی و رویکردها در زمینه‌ی طراحی فضای سبز مدارس. سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور، استان هرمزگان.
* اوغازیان، ف (1386). مدرسه محله و کالبد، رساله کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تهران.
* حمزوی، ر (1389). بررسی کارکرد مدارس اجتماعی با تاکید بر اندیشه‌های پایداری اجتماعی. فصلنامه گزارش سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس، سال نوزدهم، شماره 67-66.
* خسروی، ف؛ ثقفی، م (1396). فرایند طراحی مدرسه روستایی با تاکید بر مولفه‌های مدرسه اجتماعی (نمونه موردی: مدرسه روستای زیرکن مشهد، کنفرانس بین المللی عمران،معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران، دانشگاه اسوه - تهران - دانشگاه شهید بهشتی.
* درودیان، ی (1390). ایده‌ها و مفاهیم بنیادی در فضاهای آموزشی معاصر. مجله معماری ساختمان، شماره 26
* رضازاده، ر (1385). رویکرد روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید. چاپ اول، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
* سلطان‌زاده، ح (1364). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول
* سیدحاتمی، آ (1392). بررسی مدارس اجتماعی با رویکرد روانشناسی محیطی. اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار.
* شهابی، ش؛ درسخوان، ر (1390). بررسی تاثیر محیط فیزیکی مراکز درمانی بر سلامت جسمی و روانی بیماران، اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نو در معماری، تبریز.
* صفایی‌پور، م؛ روزنه، ح (1392). هویت و توسعه پایدار محله‌ای در شهر شیراز، مورد محله فخر‌اباد، جغرافیا توسعه، تهران شماره 31.
* طلایی، م؛ یوسف‌زاده، س؛ متولی حقیقی، م (1393). ‌تبيين نقش مدارس اجتماعی در پایداری اجتماعی جامعه اسلامی. دومین کنگره بین‌الملی سازه، معماری و توسعه شهری، تبریز.
* علوی‌تبار، ع (1379). مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (ج اول)، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
* غفاری، غ (1380). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به‌عنوان مکانیزمی‌ برای توسعه روستایی ایران. پایان‌نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
* غروی الخوانساری، م (1384). مدرسه‌ی محله: کانون فرهنگی- اجتماعی سازمان‌دهنده‌ی محله. نشریه هنرهای زیبا، تهران، صص: 67-76.
* کامل‌نیا، ح (1388). دستور زبان طراحی محیط‌های یادگیری، انتشارات سبحان نور تهران.
* محسنی، م؛ جاراللهی، ع (1382). مشارکت اجتماعی در ایران، تهران، آرون.
* محسنی تبریزی، ع (1369). بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی‌وزارت جهاد سازندگی.
* مظفری، فرهنگ؛ عظمتی، ح؛ باقری، م (1385). طراحی بوستان‌های شهری و رشد خلاقیت کودکان. فصلنامه علمی و پژوهشی فناوری و آموزش، دانشگاه تربیت، صص: 75-85.
* یوسفی، ن (1389). نقش مدرسه محله در احیاء مراکز محله‌ای و توسعه شهری پایدار در ایران. نخستین همایش توسعه شهری پایدار، تهران، قطب علمی توسعه شهری پایدار.
* Bingler S, Quinn L, Sullivan K. (2003). Schools as Centers of Community. A Sitizen Guide for Planning and Design,U.S Department of Education, Washington ,D.C. ED Pubs, Aipril
* Bingler, S., Quinn, L., Sullivan, K (2003). Schools as Centers of Community: A Citizen’s Guide for Planning and Design Second edition.
* Brubaker, C. William, Raymond Bordwell, and Gaylaird Christopher. (1998). Planning and designing schools. New York, N.W: McGraw-Hill.
* Lackney, Jeffrey A. )1999(. Assessing school facilities for learning/assessing the impact of the physical environment on the educational process. Mississippi State, Miss.: Educational Design Institute at Mississippi State University.
* Schneider, Tod, Hill Walker, and Jeffery Sprague. (2000). Safe school design, a handbook for educational leaders: applying the principles of crime prevention through environmental design. Eugene, Ore.: ERIC Clearinghouse for Educational Management.
* Schneider, Mark. (2002). Do school facilities affect academic outcomes? Washington, D.C.: National Clearinghouse for Educa-tional Facilities. Retrieved September 4, 2003 from http://www.edfacilities.org/pubs/outcomes.pdf
1. . Bingler [↑](#footnote-ref-1)
2. . Participation [↑](#footnote-ref-2)
3. Herman Hertzberger [↑](#footnote-ref-3)
4. Lawson [↑](#footnote-ref-4)
5. . Schneider [↑](#footnote-ref-5)
6. . Lackney [↑](#footnote-ref-6)
7. . Brubaker [↑](#footnote-ref-7)